

نقد حقوقی اجرای مجازات اعدام در ملاء عام



برخی حقوقدانان، جامعه‌شناسان و فقها، اجرای اعدام در ملاء عام را خالی از اشکال نمی‌دانند زیرا استدلال می‌کنند که علاوه بر آنکه فقه امامیه پذیرای اعدام در ملاء عام در زمان غیب امام زمان (عج) نیست، چنین اختیار قانونی که در دست قاضی پرونده است، باعث بروز خشونت اجتماعی و تأثیرات نامناسب بر روان مردم می‌شود؛ مضافاً آنکه چنین شیوه‌ای با اصل برائت مغایرت دارد. به گزارش ایسنا، روزنامه «قانون» آورده است: سنگین‌ترین کیفر در نظام تقنینی ایران، مجازات اعدام است. شاید در نگاه نخست، چنین مجازاتی حاکی از ترویج خشونت باشد اما آنچه که در تحلیل این مهم باید در نظر داشت این است که احقاق عدالت در بعضی از جرایم میسر نخواهد بود مگر با سلب جان مرتکب. به طور مثال وقتی کسی جان دیگری را با سوءنیت خاص می‌گیرد، در هیچ شرایطی نمی‌تواند جان و عمر مقتول را بازگرداند. از این رو اگر نامشروع بودن قتل احراز شود، برای اجرای عدالت فردی و اجتماعی باید جان در برابر جان ستانده شود.

این قاعده را هم شرع و هم عقل تأیید می‌کند. اما گاهی در شیوه اجرای این مجازات، نقدهایی وارد است؛ به طور مثال برخی از حقوقدانان، جامعه‌شناسان و فقها، اجرای اعدام در ملاء عام را خالی از اشکال نمی‌دانند زیرا استدلال می‌کنند که علاوه بر آنکه فقه

امامیه پذیرای اعدام در ملاء عام در زمان غیب امام زمان (عج) نیست، چنین اختیار قانونی که در دست قاضی پرونده است، باعث بروز خشونت اجتماعی و تأثیرات نامناسب بر روان مردم می‌شود. مضافاً آنکه چنین شیوه‌ای با اصل برائت مغایرت دارد.

ایشان معتقدند که اگر مبنای اعدام در انظار عمومی عبرت‌آموزی اجتماعی باشد، گویی که تمام افراد در معرض انجام بزه قرار دارند که این نوع دیدگاه در تقابل آشکار با اصل 37 قانون اساسی است. این اصل مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد». پس به نظر می‌رسد مهیا کردن چنین مراسمی نه منطبق با اصول شرعی و نه همسو با دستاوردهای حقوقی و نه موافق آموزه‌های جامعه‌شناختی باشد.

اعدام در ملاء عام با آموزه‌های علم جرم‌شناسی در تعارض است

دکتر علی نجفی‌توانا، حقوقدان و عضو هیأت علمی دانشگاه، معتقد است که اجرای مجازات در ملاء عام اگر به تشخیص دادگاه باشد، از نظر قانونی ایرادی ندارد اما از جهت اصول جرم‌شناسی، خالی از اشکال نیست.

او در گفت‌وگو با «قانون» اظهار کرد: «اعدام در ملاء عام در شهرستان شیراز از دو منظر قابل بررسی است. نخست از بعد قانونی و سپس از منظر جامعه‌شناسی و روانشناسی جنایی. در حوزه قانونی بودن یا نبودن این عمل باید گفت، در صورتی که بعد از انجام تشریفات قانونی در حکم دادگاه شیوه اجرای مجازات به این شکل مندرج شده باشد، ایرادی بر آن وارد نیست. پس باید به حکم دادگاه ملاحظه شود و در صورتی که تصمیم بر اجرای علنی باشد، اشکالی بر آن مترتب نیست. مدافعان اجرای علنی مجازات‌ها با توجه به وجه عبرت‌انگیزی آن، معتقد به ادامه اعدام در ملاء عام هستند تا مردم ببینند که در صورت تعرض به قانون، جان، مال و ناموس دیگر، مجازات حتمیت و قطعیت دارد. اما این موضوع از نظر آموزه‌های علوم جرم‌شناسی از جمله جامعه‌شناسی و روانشناسی جنایی قابل تردید، تشکیک و محل تأمل است زیرا بزهکاری که قرار است به قصاص، اعدام یا سایر مجازات‌ها محکوم شود، باید همان یک مجازات را تحمل کند و اعمال مجازات در ملاء عام، تحمیل نوعی مجازات مضاعف است.»

این حقوقدان اضافه کرد: «وقتی جان انسانی گرفته می‌شود، بردن آبرو و حیثیت او کار درستی نیست زیرا او تنها جان یک انسان را گرفته است و این امر فقط یک مجازات دارد. از لحاظ تطبیق با اصل شخصی بودن مجازات‌ها هم، اعمال مجازات در ملاء عام کار درستی نیست زیرا با این عمل، خانواده محکوم هم مجازات می‌شوند و آبروی آن‌ها پایمال می‌شود. از نظر حقوق بشری و حقوق شهروندی اعدام در ملاء عام اصلاً قابل دفاع نیست زیرا مجازات، واکنش یک انسان نسبت به انسانی دیگر است و در یک جامعه اسلامی، انداختن آفتابه به گردن فردی و او را در شهر چرخاندن و در نهایت در انظار عمومی به دار آویختنش، به هیچ وجه از دیدگاه حقوق اسلامی و انسانی قابل دفاع نیست. شاید بر همین اساس، امروزه بعضی از مجازات‌های شرعی مانند صلب تعطیل شده یا مجازاتی چون رجم با شرایطی اعمال می‌شود. از دیدگاه روانشناسی جنایی نیز اعدام در ملاء عام موجب تشدید خشونت می‌شود. چگونه ما فرزندانمان را از دیدن فیلم‌های خشن ممنوع می‌کنیم یا پخش بعضی فیلم‌های بسیار خشن را بر نمی‌تابیم اما همان خشونت را به طور علنی و آشکار در میان جمعی که بعضی می‌خندند، بعضی گریه می‌کنند، بعضی می‌ترسند و بعضی فیلمبرداری می‌کنند، با فرزند خود به تماشا می‌ایستیم، غافل از آنکه با این کار اصولاً خشونت و خشونت‌گرایی را در میان خودمان به امری عادی تبدیل می‌کنیم.»

اعدام در ملاء عام از لحاظ فقهی جایز نیست

این استاد دانشگاه در خصوص پرسشی مبنی بر این که دیدگاه فقه در خصوص اعدام در ملاء عام چیست، ادامه داد: «از لحاظ فقهی نیز اولاً؛ شارع مقدس هر جا که اجرای علنی مجازات را موجب تخریب چهره اسلام تشخیص دهد، آن را جایز نمی‌داند. ثانیاً؛ اگر مصلحت اجتماعی ایجاب کند باید از اعمال مجازات به این روش اجتناب شود. ثالثاً؛ در فقه امامیه اجرای علنی مجازات در زمان غیبت امام زمان (عج) جایز نیست و ما که معتقد به فقه امامیه هستیم، باید بر خود حجت بدانیم که اجرای مجازات اعدام در ملاء عام از لحاظ فقهی دارای اشکال است. رابعاً؛ آنان که اجرای مجازات به صورت علنی را درست می‌دانند، بر این مستند فقهی استناد می‌کنند که: «لِشَهِدِ عَذَابِهِمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». لیشهد در این جا به معنای نظارت بر اجرا شدن مجازات است. معنای لیشهد مشاهده نیست، بلکه شهادت است؛ ضمن آنکه «طائفه» در لغت عرب به 2 تا 10 نفر اطلاق می‌شود. مراد این است که عده ای شهادت دهند که مجازات انجام شده است؛ نه آنکه هورا بکشند، گریه کنند، نفرین کنند یا فیلمبرداری کنند. مهم تر از همه، در این مستند فقهی از «طائفه ای از مومنان» سخن به میان آمده است. مومن کسی است که گناه کبیره و صغیره نکند. آیا می‌توان چنین افرادی را در جامعه ای که وجه مشخصه اش نظم‌گریزی است، پیدا کرد؟ اگر هم باشند، تعدادشان اندک است و یافتن ایشان امر ساده‌ای نیست. لذا به نظر می‌رسد که اجرای علنی مجازات‌ها از نظر حقوقی، فقهی، جامعه‌شناسی و روانشناسی قابل دفاع نباشد».

مجازات در ملاء عام، ناقض حقوق مردم است

نجفی توانا، درباره این موضوع که آیا اعدام در ملاء عام، ناقض حق شهروندانی است که تمایل به دیدن چنین مناظری ندارند، گفت: «واکنش‌های اجتماعی به دلیل تنبیه و ارباب وضع می‌شوند که مورد دفاع برخی از حقوق‌دانان و فقها هم می‌باشد. البته بسیاری از فقها نیز آن را جایز نمی‌دانند. با این شیوه برخورد، گویی که مجری مجازات، تمام افراد جامعه را مستعد بز هکاری تلقی می‌کند و بدون آنکه به مردم احترام گذاشته شود و بدون آنکه اصل براعت در خصوص افراد جامعه رعایت شود، چنین صحنه‌هایی برای عبرت ایشان در منظر عمومی قرار می‌گیرد. به جز خشونت‌گرایی که حداقل نتیجه این اقدام است، با توجه به فناوری‌های موجود، تصاویر اعدام در ملاء عام به سرعت در تمام سایت‌ها و فضای مجازی منتشر می‌شود که طبیعتاً آثار تبلیغی بسیار منفی برای کشور ما در پی دارد. از سوی دیگر، این پرسش مطرح است که اگر کسی دچار اشتباهی شد، آیا جامعه باید در مواجهه با او روحیه گذشت داشته باشد یا انتقام؟ با توجه به اینکه یکی از صفات خداوند ستار العیوب بودن است، به نظر می‌رسد بردن آبروی شخص بز هکار در انظار عمومی و تقویت روحیه خشونت و انتقام در میان مردم کار صحیحی نباشد. ضمن آنکه ما با استفاده از این شیوه مجازات، مردم را مجبور به دیدن صحنه‌هایی می‌کنیم که شاید در حالت عادی علاقه‌ای به دیدن آن نداشته باشند. واقعا باید ارزیابی شود که آیا نتایج مثبت حاصل از این اقدام با تبعاتش قابل مقایسه است؟ قطعاً از لحاظ علمی پاسخ مثبت نخواهد بود. شاید به همین دلیل است که در کنار بسیاری از اندیشمندان علوم جرم‌شناسی، روانشناسی و جامعه‌شناسی، فقها نیز یا با آن مخالفت کرده اند یا بر اساس مصلحت غیبت به صلاح جامعه ندانسته اند و یا اجرای آن را منوط به تحقق شرایطی دانسته اند که عملاً جمع آن‌ها ممکن نیست».

اعدام در ملاء عام باعث قساوت قلب‌ها می‌شود

دکتر مجید ابهری، استاد دانشگاه، رفتارشناس و آسیب‌شناس اجتماعی معتقد است که در عین حال که اصل قصاص و اعدام را می‌پذیریم اما اجرای آن در انظار عمومی قابل دفاع نیست. او در گفت‌وگو با «قانون» اظهار کرد: «هیچ فرد منصفی با مجازات بز هکاران مخالفتی ندارد بلکه اعمال مجازات باعث حفظ نظم، کیان و امنیت کشور می‌شود؛ اما نوع و کیفیت اجرای مجازات اعم

از مکان و شکل کیفر از نگاه بازدارندگی، اثری مستقیم بر پیشگیری های اولیه و ثانویه اجتماعی خواهد داشت. مجازات اعدام به وسیله «دار»، یکی از آن کیفرهایی است که علی‌رغم مخالفت‌های نهادهای بین‌المللی، در حوزه جرایمی چون قتل، ضروری به نظر می‌رسد. پس مشکل در اصل چنین مجازاتی نیست و بحث بر سر نحوه اجرای آن است.»

وی افزود: «از نگاه رفتارشناسی اجتماعی، تماشای صحنه مرگ و جان‌کندن یک انسان در حالت غیرطبیعی باعث قساوت قلب و بالا رفتن درجه خشونت در جامعه می‌شود. چنین عارضه‌ای بر افراد بزرگسال هم رخ می‌دهد؛ چه رسد به کودکان و نوجوانان. به خاطر دارم که در گذشته هنگام قربانی کردن گوسفند یا مرغ، کودکان را از منظره سر بریده شدن حیوان دور می‌کردند. بعدها با تعمق در اصول رفتارشناسی و جامعه‌شناسی درک کردم که این حرکت برای جلوگیری از درجه خشونت در رفتار کودکان بوده است. متأسفانه اکنون به دلیل کمبود تفریح و نشاط اجتماعی، بعضی افراد تماشای صحنه‌های اعدام را به عنوان یک تفریح قلمداد می‌کنند و از ساعت‌ها قبل حتی فرزندان کوچک خود را به دوش می‌گیرند و به تماشای جان‌دادن یک انسان می‌ایستند. آن‌ها نمی‌دانند که از حیث روانی چه بر سر آینده فرزندان خود می‌آورند.»

این استاد دانشگاه همچنین گفت: «شاید بعضی از نخبگان یا مسئولان اظهار دارند که اجرای علنی مجازات اعدام مانع تکرار و وقوع بزهکاری می‌شود. در پاسخ به این عزیزان باید گفت: در طول سی و چند سال گذشته بسیاری از اعدام‌ها در ملاء عام رخ داده است، آیا این شکل از اجرای مجازات در کاهش جرم جنایت موثر بوده است؟ طبیعتاً پاسخ منفی است. پس ضمن اینکه بنده مجازات‌های سنگین برای برهم‌زنندگان نظم و امنیت اجتماعی را تایید می‌کنم، اما اعدام در ملاء عام را منطقی نمی‌دانم. باید به نحوی اجرای مجازات در انظار عمومی متوقف شود تا علاوه بر جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی حاصله، بهانه از بهانه جویان خارجی گرفته شود. هرچند ما واهمه‌ای از مدعیان حقوق بشر نداریم اما به هر روی تبلیغات گسترده ایشان افکار عمومی جهانی را نسبت به ایران منفی می‌کند. بهانه جویان بر اصل مجازات اعدام ایراد وارد می‌کنند در حالی که متوجه این موضوع نیستند که مجازات کسی که به طور مثال اسلحه به دست می‌گیرد و مردم را به خاک و خون می‌کشد، جز اعدام چه می‌تواند باشد؟ آیا باید به آن بزهکار جایزه نوبل یا اسکار بدهیم؟ حال وقتی ما مشاهده می‌کنیم که در خارج از کشور چنین انتقاداتی بر ما وارد می‌شود، نیازی نیست که با اعمالی خارج از منطق اجتماعی بر دامنه این انتقادات بیفزاییم. درخواست من این است که برای جلوگیری از بالا رفتن خشونت در جامعه، اعدام در ملاء عام متوقف شود.»

پیشگیری باید با فرهنگ‌سازی باشد نه با عبرت اجتماعی

ابهری درباره نقش فرهنگ‌سازی در پیشگیری از بزه اجتماعی نیز اظهار کرد: «احتمالاً هدف مجریان اعدام در ملاء عام، ایجاد عبرت اجتماعی است اما عبرت اجتماعی به تنهایی قادر به کاهش بزهکاری در جامعه نخواهد شد و باید پیش از آن پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی مورد عمل قرار گیرد. رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما و نهادهای متولی فرهنگ‌سازی کشور باید پیشگیری را در اولویت کار قرار دهند؛ چراکه همواره پیشگیری ساده‌تر از درمان است. متأسفانه با توجه به اینکه 22 نهاد پیشگیری‌کننده با بودجه‌های بسیار در کشور وجود دارد، اما نتایج کار آن‌ها به هیچ عنوان راضی‌کننده نبوده است. مقام‌معظم‌هبری در مورد پیشگیری و مقابله با آسیب‌های اجتماعی، قریب به مضمون فرموده بودند که برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و وقوع بزه در جامعه باید عزم ملی، بسیج تا با راهکارهای فرهنگی، این مهم محقق شود. پس پیرو سخنان رهبری، مردم باید ضمن مهندسی فرهنگی، برای پیشگیری و مقابله با پیدایی بزه به کمک این نهادها بشتابند در غیر این صورت هیچکس در حاشیه امنیت نخواهد بود. مردم نباید با بی‌تفاوتی از کنار این مساله به راحتی بگذرند یا حتی به تماشا بایستند.»

همان‌طور که از سخنان کارشناسان امر برمی‌آید، اعدام در ملاءعام نه تنها عاملی بازدارنده در پیدایی بزه اجتماعی نیست، بلکه اعمال چنین مجازات‌هایی باعث ترویج خشونت می‌شود. پس شایسته است یا در وضع قوانین جدید از اساس چنین امری از اعتبار قانونی ساقط شود یا دست‌کم، قصات در احکام صادره، چنین شیوه‌ای را انتخاب نکنند.